**اصول، جلسه 58: 5/11/۱۳۹۹، استاد سید محمد جواد شبیری**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

بحث سر روایات استصحاب بود. رسیدیم به روایت مکاتبة علی بن محمد قاسانی که متنش این بود «قال: كتبت إليه و أنا بالمدينة عن اليوم الذي يشك فيه من شهر رمضان هل يصام أم لا فكتب علیه السلام اليقين لا يدخل فيه الشك صم‏ للرؤية و أفطر للرؤية.»

این روایت را استدلال کردند برش بقیه استصحاب. مرحوم شهید صدر می‌فرماید که در این استدلال مناقشه شده، گفتند دو احتمال دیگری در این روایت ذکر شده که این دو احتمال با استصحاب سازگار نیست، یک احتمال، احتمالی است که مرحوم نایینی ذکر کردند که مراد از یقین، یقین به شهر رمضان هست و مراد از شک، شک در شهر رمضان هست و مراد از یقین و شک متیقن و مشکوک اراده شده. و معنای روایت این هست که روزی که مشکوک است در این‌که در شهر رمضان هست، این را در شهر رمضان داخل نکن و در صف ایام متیقن، کونها من شهر رمضان قرار نده. بنابراین مفاد این روایات همان روایاتی است که در باب صوم یوم شک وارد شده که دلالت می‌کند که باید در نیت صوم شهر رمضان یقین به دخول شهر رمضان داشته باشیم.

مرحوم آقای صدر می‌فرمایند که حالا اگر روایاتی هم داشته باشیم که مفادش این باشد، این‌که این روایت را بر این معنا حمل کنیم خلاف ظاهر هست. حالا من ملخّص مطالب را عرض می‌کنم، بعضی ریزه‌کاری‌‌های بحث را حذف می‌کنم. ایشان می‌گوید این تقریبی که مرحوم نایینی ذکر کرده خلاف ظاهر هست، می‌گوید که اوّلاً حمل یقین و شک بر یقین و شک به شهر رمضان بدون این‌که در کلام سائل، یا کلام امام علیه السلام، در کلام سابق امام علیه السلام یا در کلام سائل ذکر نشده باشد جداً خلاف ظاهر هست. بلکه ظاهر کلام این هست که مراد جنس یقین و شک باشد. دو تا اشکال دیگر را هم از مرحوم آقای خویی نقل می‌کنند، یک اشکال این هست که حمل یقین و شک بر متیقن و مشکوک خلاف ظاهر هست. اشکال دوم مرحوم آقای صدر. اشکال سوم این هست که طبق این مبنای شما صُم للرؤیة آن تفریعش صحیح است. ولی افطر للرؤیة آن صحیح نیست. معنای افطر للرؤیة این هست که روز آخر ماه رمضان را به نیت ماه رمضان روزه بگیر. در حالی که روز آخر ماه رمضان مشکوک هست در این‌که از ماه رمضان باشد یا از ماه رمضان نباشد. چون ما روز مشکوک در ماه رمضان را در صف روزهای متیقن از ماه رمضان قرار دادیم و به نیت روزة جزمی ماه رمضان آن را روزه می‌گرفتیم. این روایت برعکس می‌خواهد تعبیر بکند. اگر طبق تفسیری که شما معنا می‌کنید افطر للرؤیة نمی‌تواند متفرّع بر الیقین لا یدخل فیه الشک باشد. این مطلبی که مرحوم آقای صدر فرمودند.

اینجا من آن اشکال اوّل مرحوم آقای صدر را هیچ متوجه نشدم که حمل یقین و شک بر یقین و شک به شهر رمضان، سؤال ما، صحبت شک در رمضان شده دیگر. «كتبت إليه و أنا بالمدينة عن اليوم الذي يشك فيه من شهر رمضان» این یوم الشکی که ما شک داریم که ما شک داریم از رمضان هست یا از رمضان نیست. آقای نایینی می‌گویند این روایت می‌گوید روزی را که شک کردید که در رمضان هست یا در رمضان نیست، این را داخل در ایام متیقن نکن. «يشك فيه من شهر رمضان» چی است؟ یعنی شک در رمضان ذکر شده، لازم نیست کلمة خود شک ذکر بشود. فعلی که ازش مصدر در می‌آید ذکر شده باشد کافی هست دیگر. این چطور ایشان می‌فرماید که من دون ذکر له، این ؟؟؟ متوجه نشدم، خیلی هم روی این مطلب به استدلالات ایشان تأکید می‌کنند. به تناسب «يشك فيه من شهر رمضان» می‌گوییم شک در رمضان یقین به رمضان را هم به ذهن انسان خطور می‌دهد، بنابراین یقین را هم می‌توانیم از این روایت در بیاوریم. به هر حال نفهمیدم ایشان چی می‌خواهند بفرمایند. این یک احتمال.

احتمال دومی را که ایشان ذکر می‌کنند، ایشان تعبیر می‌کنند که، احتمالی که مرحوم محقق خراسانی فرمودند که ملاحظة روایات باب فقیه را به این قطع می‌رساند که یک معنای دیگری در این روایت اراده شده، توضیح این‌که یقین به دخول شهر رمضان موضوع هست برای وجوب صوم و یقین به دخول عید هم موضوع برای وجوب افطار هست. بنابراین این روایت می‌خواهد لا تدخل الشک فی الیقین، یعنی ای لا تلحقهه به فی الحکم فان الحکم بوجوب الصوم او الافطار یترتب علی الیقین بالهلال لا الشک. این روایت این مطلب را می‌خواهد بیان کند.

بعد ایشان می‌فرماید که آن دو تا احتمال، اشکالی را که مرحوم آقای خویی به اشکال دوم و سوم آقای صدر که از مرحوم آقای خویی نقل فرموده بودند، آن دو تا اشکال به این کلام مرحوم آخوند وارد نمی‌شود و خیلی. چون مرحوم آخوند یقین و شک را بر متیقن و مشکوک حمل نکرده، و موضوع وجوب صوم هم یقین به هلال شهر رمضان بوده. موضوع به وجوب افطار هم یقین به هلال عید هست. بنابراین این‌که افطر للرؤیة نمی‌تواند تفریع بشود این هم خیلی صحیح نیست. بلکه آقای صدر می‌فرمایند، بنابراین کلامی که آقای آخوند دارند تفسیرش خیلی روشن‌تر است، چون استصحاب آن چیزی که ازش استفاده می‌شود عدم وجوب صوم هست قبل از رؤیت. که لازمه‌اش این هست که اگر رؤیت شد انسان روزه بگیرد. همچین وجوب صوم در روز آخر هست و حرمت افطار قبل از رؤیت هست که لازمه‌اش این هست که اگر رؤیت شد افطار جایز است یا واجب باشد. اینها بنابر معنای استصحاب اخذ به لوازم استصحاب هست، به خلاف آن معنایی که مرحوم آخوند ایشان اراده می‌فرمایند.

بعد مرحوم آقای صدر می‌فرمایند الا این‌که تفسیر محقق خراسانی خلاف ظاهر هست از دو جهت. البته می‌فرمایند من وجوه خلاف ظاهر هست عمدتها وجهان. وجه اوّل این است که اینجا همان اشکال اوّلی که به مرحوم آقای نایینی وارد کردیم که اینجا یقین به دخول شهر رمضان و اینها در این روایت اخذ نشده. به دخول شهر رمضان و شهر شوال در این روایت اخذ نشده. این یک اشکال.

اشکال دوم این‌که، این‌که دخول را به معنای مغایرت در حکم بگیریم، این خلاف عرفی نیست و فرض کنید اگر می‌گوییم الماء یدخله التراب معنایش این است که، مراد این باشد که آب خاک داخلش نمی‌شود به این معنا بگیریم که آب، تراب حکم ماء را ندارد. و این خلاف ظاهر هست، به خلاف این‌که ما بخواهیم این را به معنای استصحاب بگیریم. دو تا چیزی که با همدیگر یک نوع مغایرت دارند و تضاد دارند، یکی‌شان که داخل دیگری بشود آن را خراب می‌کند و فاسد می‌کند. فرض کنید خاک که در آب داخل می‌شود، آب را داخل چیز می‌کند، آب را خرابش می‌کند. ما بگوییم لا یدخله بگوییم لا یدخله به معنای این‌که خرابش نمی‌کند، طبیعی هست به این معنا بگیریم. در حکم او هست، آن طبیعی نیست و عرفی نیست.

بعد یک مطلب دیگری را ایشان مطرح می‌فرمایند، این‌که مرحوم آخوند می‌فرمایند که در باب یوم الشک و در باب صوم و افطار یقین موضوعیت دارد، این از روایت باب استفاده نمی‌شود. ایشان تعبیرش این است و لا تجد روایة واحدة تدل علی موضوعیة الیقین فی المقام و موضوعیة ایاک الظن و الشک و نحو ذلک لا یدل علی موضوعیة الیقین بل یکون فی مقام بیان ان قصد امتثال صوم شهر رمضان یجب ان یکون بنحو الیقین فلا یصح الصوم بقصد صوم شهر رمضان مع الشک فی دخول شهر رمضان. این عبارتی هست که مرحوم آقای صدر دارند. من حالا ابتدا این مطلب را عرض می‌کنم، این‌که مرحوم آقای آخوند اینجا برای یقین موضوعیت قائل شده باشند، در عبارتشان تعبیری نیست. من عبارت کفایه را بخوانم.

و ربما يقال إن مراجعة الأخبار الواردة في يوم الشك يشرف» (الا بشرف اینجا دارد) «يشرف القطع بأن المراد باليقين هو اليقين بدخول شهر رمضان و أنه لا بد في وجوب الصوم و وجوب الإفطار من اليقين بدخول شهر رمضان و خروجه و أين هذا من الاستصحاب فراجع ما عقد في الوسائل لذلك من الباب تجده شاهدا عليه.»

این‌که مراد از وجوب صوم و وجوب افطار آیا وجوب صوم واقعی و وجوب افطار واقعی هست، و وجوب صوم و وجوب صوم ظاهری این از عبارتش استفاده نمی‌شود که موضوع برای حکم واقعی هست. بله، برای حکم ظاهری موضوع هست، به این معنا که تا قطع به ماه رمضان نداشته باشید صوم واجب نیست. روی این روایت هم استفاده می‌شود. و تا قطع به ماه، البته تعبیر مرحوم آخوند این است که قطع به دخول ماه رمضان و قطع به خروج ماه رمضان نداشته باشید، افطار واجب نیست. موضوع وجوب افطار قطع به خروج ماه رمضان است و موضوع وجوب صوم قطع به دخول ماه رمضان هست. و در این نخوابیده که موضوعیت دارد، موضوعیت برای حکم واقعی موضوعیت دارد. چنین چیزی در کلام مرحوم آخوند نیست. بحث این را بعد بیشتر تکمیل می‌کنم. این‌که ایشان می‌فرماید که اشکال مرحوم نایینی را هم اینجا مطرح می‌کنند. آنجا هم عرض کردم به مرحوم نایینی هم این اشکال وارد نیست. اینجا سوال سائل عن الیوم الذی یشک فیه من رمضان. یوم الذی یشک فیه من رمضان. یوم الذی یشک فی من رمضان، دو تا یوم الشک داریم. یک یومی هست نمی‌دانیم رمضان داخل شده است، یک یومی داریم که شک داریم در خروج رمضان. دقیقاً شک در دخول رمضان و شک در خروج رمضان، این هر دویش از این اطلاق روایت استفاده می‌شود. بنابراین این بیان مرحوم آقای آخوند که می‌فرماید، این روایت می‌خواهد بگوید شک در دخول رمضان و شک در خروج رمضان موضوع اثر نیست. آن که موضوع اثر هست یقین به دخول رمضان هست. شک به دخول رمضان جای یقین به دخول رمضان را نمی‌گیرد که در سؤال شما درج شده. و شک به خروج رمضان هم جای یقین به خروج ماه رمضان را هم نمی‌گیرد. بعد تفریع کرده صم للرویة با یقین به دخول ماه رمضان صوم انجام بدهد و افطر للرؤیة، با رویت ماه شوال که با او خروج ماه رمضان حاصل می‌شود افطر للرؤیة. و این هیچگاه به روایت این‌که ایشان می‌فرماید که اصلاً در کلام سائل ذکر نشده، دقیقاً در کلام سائل همین مطلب ذکر شده. اصلاً شکی که ذکر شده همین شک خاص است. شک در این است که آیا ماه رمضان داخل شده، یا ماه رمضان داخل نشده و آیا ماه رمضان خارج شده یا خارج نشده. روزی که انسان شک می‌کند از ماه رمضان هست یعنی شک دارد، این دو تا ملازم هم هستند. شک در این‌که این روز از ماه رمضان هست، یعنی شک در دخول ماه رمضان هست، شک در آخر هم شک در خروج ماه رمضان هست. بنابراین این بیان ایشان صحیح نیست.

اما این تعبیری که ایشان می‌گوید حمل الدخول علی المغایرة فی الحکم لیس عرفیاً. اینجور نیست که عرفی نباشد. فرض کنید در همان روایت صحیحة ثالثة زراره، اشخاصی مثل مرحوم فیض کاشانی و لا یدخل الیقین فی الشک را به همین معنای این‌که یقین را در شک داخل نکن. یعنی لا یدخل الشک فی الیقین به تعبیر، تعبیری که و لا یدخل الشک فی الیقین را این را خب خیلی‌ها، کسانی که خیلی عرفی هم هستند مثل مرحوم مجلسی، مرحوم فیض کاشانی اینها، لا یدخل الشک فی الیقین را به معنای این گرفته بودند که حالا آن شک و یقین را بعضی‌هایشان به معنای مشکوک و متیقن گرفته بودند. ولی گفته بودند مشکوک را در حکم متیقن قرار نده. به نظر می‌رسد که مشکل خاصی از این جهت نداشته باشد.

نکته‌ای که اینجا حاج آقا رویش تکیه دارند و ایشان می‌فرمایند که این روایت ناظر به استصحاب نیست، آن این است که در این روایت اصلاً این‌که شک ما سابق بر یقین. یقین ما، یقین سابق، شک لاحق از این چیزها هیچ صحبت نشده. هیچ صحبتی که نشده. آن که صحبت شده، این است که ما شک داریم در این‌که این ماه رمضان هست و ماه رمضان نیست. طبیعی است که اینجا امام علیه السلام بفرماید که این شک در ماه رمضان بودن موضوع اثر نیست. آن که موضوع اثر هست یقین است و شما به این شک حکم یقین به ماه رمضان را ندهید. این خیلی طبیعی هست. اما این‌که بگوییم مراد از یقین این هست که قبلاً می‌دانستید ماه رمضان داخل نشده است. الآن شک دارید که ماه رمضان داخل شده است یا داخل نشده است، این چیزی هست که اصلاً در روایت ذکر نشده. برخلاف فرمایش مرحوم آقای صدر آن یقین و شکی که ما به القوام استصحاب هست، یقین سابق و شک لاحق هست، در این روایت اصلاً اشاره‌ای به آن جهتش نشده. حالا روایت‌های، من کان علی یقین فشک آن اشاره به یقین سابق و شک لاحق درش هست. حالا آیا مربوط به استصحاب یا قاعدة یقین است، چی است، آنها بحث‌هایش گذشت. ولی در این روایت هیچ در مورد یقین و شک، این‌که یقینش، یقین سابق است، شکّش، شک لاحق است صحبتی نشده. حالا اینجا مرحوم آقای روحانی یک اشکالی را در منتقی الاصول مطرح می‌فرمایند بر دلالت این روایت بر استصحاب، آن این‌که با توجه به این‌که در بحث روزه و افطار یقین موضوعیت دارد، این اصلاً استصحاب جا ندارد. وقتی ما شک می‌کنیم دیگر یقین داریم که حکم مترتب نمی‌شود. بنابراین وقتی یقین داریم که حکم مترتب نمی‌شود این چجور می‌توانیم استصحاب کنیم؟ ولی من خیلی متوجه نشدم این بحث این‌که یقین نسبت به حکم واقعی به نظر نمی‌رسد که به آن معنا موضوعیت داشته باشد. ببینید اگر شخصی اوّل ماه رمضان یوم الشک برایش ثابت نشد، روزه نگرفت و افطار کرد. بعداً ثابت شد که آن روزة ماه رمضان بوده، اینجا باید آن روزه را قضا کند. اینجور نیست که قضا کردن. این قضا بکند یعنی این‌که وجوب واقعی وجود داشته، اقض ما فات، ما فات تحقق پیدا کرده. بنابراین معذور بوده. معذور بوده در روزه گرفتن، و چون افطار کرده الآن باید روزه‌اش را قضا کند. و این ازش استفاده نمی‌شود که. بله یک چیزی استفاده می‌شود. از روایات استفاده می‌شود که یوم الشک را به نیت ماه رمضان نمی‌شود گرفت. که ازش اطلاقش شاید استفاده می‌شود که نیت احتمالی ماه رمضان هم ممنوع باشد که اگر از ماه رمضان باشد روزة من روزة ماه رمضان. این مقدار استفاده از موضوعیت برای فرد استفاده می‌شود که در ظرف شک شما نیت ولو احتمالی، حالا جزمی که هیچی، نیت تردیدی هم شما نکنید. ولی این غیر از این است که موضوعیت داشته باشد. نه من نمی‌دانم این روزه واجب هست یا روزه واجب نیست. با استصحاب عدم وجوب روزه می‌گویم این روزه واجب نیست. این منافات با این هم ندارد که هم روایات باب، یعنی در واقع اینجوری من عرض بکنم، این‌که ممکن است این‌که ما روز اوّل ماه رمضان یوم الشک واجب نیست برایمان روزه گرفتن، دو تا مناط داشته باشد. یک مناط این هست که وجوب صوم در جایی که شک داریم واجب نیست، یوم روزی که شک هست که ماه رمضان داخل شده یا داخل نشده واجب نیست انسان روزه بگیرد. یک اعتبار این است که چون قبلا ماه رمضان به حالت سابقه‌اش نگاه می‌کنیم. می‌گوییم چون حالت سابقه‌اش یقین داشتیم که ماه رمضان نیست، حالا هم یقین داریم که ماه رمضان. یقین داریم که. اشکال حاج آقا را توجه بفرمایید. اشکال حاج آقا سر جای خودش هست که این ربطی به استصحاب ندارد، چون اصلاً صحبت این‌که یقین به عدم دخول شهر رمضان در این روایت نشده. که قبلاً روز مثلاً قبل از یوم الشک یقین داشتیم ماه رمضان داخل نشده، یوم الشک را نمی‌دانیم از ماه رمضان هست یا ماه رمضان نیست، استصحاب عدم دخول شهر رمضان بکنیم. آن اشکال حالا شما ازش غمز عین کنید. اگر از آن اشکال غمز عین کنیم خب یوم الشک را به دو اعتبار، حالا این روایت ممکن است ناظر به این باشد که یوم الشک چون روز قبلش یقین داشتید که ماه رمضان نیست، عدم رمضان را استصحاب کن. یوم الشک آخر هم استصحاب کن بقای رمضان بودن را و حرمت افطار را نتیجه بگیر. در ماه رمضان افطار حرام است، استصحاب بقای ماه رمضان در یوم الشکی که مردد بین رمضان و شوال هست جاری می‌شود. استصحاب عدم وجوب صوم در اوّل جاری می‌شود. و این‌که این روایت ناظر به آن باشد آن چیزی نیست. بله کلام مرحوم آخوند کاملاً به جا هست. آن این است که این روایت این‌که ناظر به این باشد که بخواهد به استصحاب نظر داشته باشد، نه، این روایت آن موضوعی که در روایت اخذ شده، شک در ماه رمضان، شک در روزی هست که از ماه رمضان باشد یا از ماه رمضان نباشد. این می‌خواهد بگوید این شک منشاء اثر نیست. شک در این‌که این روز از ماه رمضان هست این شک منشاء اثر نیست شما باید یقین داشته باشید که یک روز از ماه رمضان هست و آن روز را روزه بگیرید. و یقین داشته باشید که این یک روز از ماه رمضان خارج شده است، تا آن روز را افطار کنید. این ناظر به بدء الصوم و بدء الافطار است. شروع صوم و شروع افطار باید یقین به دخول رمضان و شروع افطار با یقین به خروج ماه رمضان باشد. این‌که این روایت به این معنا باشد خیلی طبیعی هست و بر خلاف فرمایش مرحوم آقای صدر به نظر می‌رسد که این روایت هیچ ربطی به استصحاب نداشته باشد. حالا یک بیانات دیگری مرحوم آقای آقا ضیاء مطرح کردند که اینجا استصحاب مُثبت هست و چی هست و حالا وارد آن بحث‌ها نمی‌شویم که آقای صدر هم وارد این شدند که اینجا مشکلی در اینجا نیست و من نمی‌خواهم وارد آن بحث‌ها بشوم.

علی ای تقدیر به نظر می‌رسد که این روایت مکاتبة علی بن محمد قاسانی، کلام مرحوم آخوند هم محصّل فرمایش مرحوم آخوند که ظاهراً حاج آقا هم همین را می‌خواهند بفرمایند. محصّل فرمایش آخوند این است که این روایت مفادش، مفاد سایر روایات باب یوم الشک هست. و مفادش این هست که در وجوب صوم و وجوب افطار شک جای یقین را نمی‌گیرد. شما باید یقین داشته باشید به دخول شهر رمضان تا برایتان وجوب بیاید. این وجوب که می‌گوییم بیاید معنایش این نیست که وجوب واقعاً بیاید. می‌خواهم وجوب ظاهری که می‌خواهیم بگوییم، وجوب ظاهری، از آن طرف هم در پایان ماه رمضان هم شما باید یقین داشته باشید تا وجوب افطار برای شما بیاید. در هیچ یک از اینها به اعتبار یقین سابق، نه در اوّل ماه رمضان عدم وجوب صوم در یوم الشک به اعتبار این نیست که قبل از یوم الشک یقین داشتید که ماه رمضان داخل نشده است. در وجوب صوم در روز آخر ماه رمضان هم نه به اعتبار این‌که قبل از این وجوب داشته است. بلکه به این اعتبار که در واقع وجوب افطار مترتب بر، حالا به خصوص آخر ماه رمضان را ممکن است شما بگویید که این‌که وجوب افطار ملازمه دارد این‌که کأنّه ماه رمضان که شما داخلش شدید، این ماه رمضان را ادامه بدهید تا ثابت بشود که ماه رمضان خارج شده. حالا آن را باز نسبت به آخر ماه رمضان یک کمی فی الجمله ممکن است به استصحاب مرتبطش بدانیم. اما اوّلش که تقریباً هیچ ارتباط خاصی به نظر نمی‌رسد. ولی علی ای تقدیر نکته‌اش می‌تواند این باشد که یعنی افطار کردن در ماه رمضان حرام هست، کأنّه این حرمت، این‌که ما می‌توانیم افطار کنیم در صورتی هست که برای ما ثابت بشود که ماه رمضان خارج شده است. جواز افطار مترتب هست بر، یعنی نکته‌ای که اینجا به روایت تکیه شده، نکته این هست که چون شما یقین ندارید به خروج روایت باید این را روزه بگیرید. این نکته ممکن است اصلاً نکته‌اش هم استصحاب باشد. حالا به این بیان عرض بکنم، در مورد آخر ماه رمضان هم اگر نکته‌ای که شارع مقدس به خاطر آن روزه روزة آخر ماه رمضان را واجب کرده به خاطر استصحاب بقای شهر رمضان باشد. این ممکن است اینجور باشد. ولی این‌که بگوییم این ازش استفاده می‌شود که استصحاب به‌طور کلی حجت هست این استفاده نمی‌شود. به تعبیری کلام حاج آقا اشاره شده می‌گوید از این روایت کأنّ استصحاب به عنوان یک حکم اصولی استفاده نمی‌شود. این یک تعبیر هست. ممکن است بگوییم که این اصلاً اوّل ماه رمضان و آخر ماه رمضان هر دویش به مناط استصحاب باشد. حتی اگر هم بگوییم. مناط واقعی‌اش برای این‌که چرا واجب نبوده است روزة اوّل ماه رمضان به مناط استصحاب باشد. به فرض هم که به مناط استصحاب باشد معنایش این نیست که استصحاب به‌طور کلی حجت است. استصحاب در خصوص اینجا را می‌توانیم حجیتش را استفاده کنیم. دیگر این بحث، بحث خاصی ندارد. می‌رویم در بحث روایت خاصه‌ای که در این مسأله وارد شده است.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان